

## حریم خصوصی شهروندان با تأکید بر فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی «ره»

عباس فقیه<sup>۱</sup>

### چکیده

انسان بنا بر فطرت خود، قلمروی را محدوده خصوصی خویش می‌داند و در آن پناه می‌گیرد و در این پناهگاه است که زندگی برای وی میسر می‌گردد و انسانیت معنا و مفهوم می‌یابد؛ شخصیت و آبرو، ناموس، خانه، محل کار و اموال از آن جمله‌اند. اسلام برای انسان و حریم خصوصی افراد احترام خاصی را قائل شده است. حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۲۳، تفتیش عقاید را ممنوع دانسته و اعلام نموده است هیچ کس را به صرف داشتن عقیده‌ای نمی‌توان مورد تعرض قرار داد. در اندیشه فقهی حضرت امام (ره) حتی ولی فقیه در حوزه خصوصی افراد مجاز به مداخله نیست و دخالت خودسرانه در این حوزه از اسباب اسقاط ولایت محسوب می‌گردد؛ هرچند اگر حریم خصوصی در تراحم با مصلحت عمومی قرار گیرد، مصالح جمعی بر آن مقدم می‌شود، لیکن، اصل، بر عدم مداخله حکومت در حوزه خصوصی است. افزون بر این، در کلام امام خمینی (ره)، سخنان دیگری نیز می‌توان یافت که بر حفظ حریم خصوصی افراد تأکید شده است. حضرت امام (ره) در فرمان ۸ ماده‌ای ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به برخی ارگان‌های اجرایی، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی شهروندان به مواردی تصریح می‌کند که تبلور اندیشه ایشان در این موارد است. ایشان به کارگزاران حکومتی دستور می‌دهند که با توجه به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی و جانشینی احکام الهی در نظام اسلامی به جای احکام طاغوتی، از هرگونه مداخله خودسرانه در مناسبات شخصی افراد پرهیز نموده و در رسیدگی به صلاحیت متصدیان امور، ملاک را حال فعلی اشخاص قرار داده و از تجسس پیرامون گذشته افراد خودداری گردد. نوشته حاضر در پی تبیین اندیشه‌های امام «ره» در مورد حمایت از حریم خصوصی شهروندان است. واژگان کلیدی: حریم خصوصی، حقوق شهروندی، فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)، حق خلوت، تجسس

۱. پژوهشگر گروه فقه و حقوق ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) قم a.faghih.58@gmail.com

## مقدمه

یکی از جدیدترین مباحث حقوقی که ابعاد گوناگون آن در زندگی خصوصی تک تک اشخاص قابل طرح است، حقوق حریم خصوصی است.

حق خلوت و حریم خصوصی افراد، یکی از مصادیق حقوق شهروندی است. حق خصوصی و خلوت افراد این است که ما بی‌جهت به حریم افراد وارد نشویم. حق جسم، روان، مصونیت اموال و حق ارتباطات از جمله این حقوق‌اند. حیثیت و آبرو، مصونیت اموال و... روشن‌ترین نقطه شخصیت هر فرد در جامعه است که اگر برای زندگی فردی، جان باید در سلامت باشد، برای زندگی جمعی، حریم خصوصی باید در حصار صیانت قرار گیرد، تا آن‌جایی که بی‌توجهی به حریم خصوصی اشخاص علاوه بر نقض حقوق اساسی آن‌ها گاهی منجر به حوادثی می‌شود که جبران آن امکان‌پذیر نیست. حوادثی که می‌تواند مسیر زندگی عادی اشخاص را مختل و حتی منجر به پایان زندگی یک شخص شود. حریم خصوصی، مقوله‌ای است که هم در احکام دینی و هم در موازین قانونی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی مورد توجه و تأکید مکرر قرار گرفته شده است.

## روش مطالعه

مقاله پیش‌رو بر اساس مطالعه و تحلیل منابع روایی و فقهی در باب تجسس و مصلحت و ولایت فقیه و...، و همچنین منابع حقوقی در باب حریم خصوصی و خلوت و تطبیق این مطالعات با مبانی فقهی حضرت امام خمینی (ره) در این ابواب و به طور خاص با نگاه ویژه به فرمان ۸ ماده‌ای ایشان تنظیم و نگاشته شده است و برای رسیدن به پاسخی صحیح با استمداد از سایر اصول و ضوابط شرعی و قانونی، موضوع را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

## یافته‌ها

### تعریف حریم خصوصی

حریم خصوصی با آنکه یکی از ملموس‌ترین و پرکاربردترین حق برای هر فردی شناخته شده است، ولی صاحب‌نظران برجسته دنیا نتوانسته‌اند بر سر یک تعریف واحد به توافق برسند و حریم خصوصی از آن دست مفاهیمی است که به نظر می‌رسد حتی تعریف دایره‌المعارفی روشنی هم ندارد. با این حال حریم خصوصی را اغلب به عنوان یک حق می‌شناسند؛ حقی که دیگران را از دسترسی، خدشه یا تعرض به آنچه متعلق به شخص است منع می‌کند. اما به دلیل روشن نبودن دایره مفهومی حریم خصوصی، گستره این حق هم مبهم یا دست کم مورد اختلاف است.

البته به طور خلاصه می‌توان گفت که حریم به معنای آنچه از پیرامون خانه و عمارت که بدان متعلق باشد... مکانی است که حمایت و دفاع از آن واجب است و خصوصی به معنای شخصی، داخلی، زندگی

خصوصی اشخاص (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۳۵۰ و دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۹۰۴ و عمید، ۱۳۶۳، ص ۷۸۸). کلمات حرم، حرمت، احترام و تحریم با حریم هم‌ریشه‌اند. از لحاظ حقوقی حریم از حرمت به معنی منع است؛ زیرا تعرض دیگران به حق صاحب حریم ممنوع است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۵۲).

و طبق تعریفی دیگر، حریم خصوصی به معنای مکان و محلی است که اختصاص به فرد داشته و دفاع از آن واجب و تعرض نسبت به آن ممنوع است.

پس حریم خصوصی، یکی از حقوق اساسی بشر و مرتبط با حفظ مقام انسان و دیگر ارزش‌هایی است که کرامت انسانی بشر به ارمغان می‌آورد. بر پایه این حق، یک شخص یا گروه می‌تواند مسائل شخصی زندگی خود را خارج از محدوده دسترسی دیگران نگه داشته و یا مسائل اطلاعاتی مربوط به خود را کنترل کند.

### حوزه‌های حریم خصوصی و مصادیق تعرض به آن

می‌توان حوزه‌های حریم خصوصی را به چهار حوزه مجزا تقسیم کرد:

۱- حریم اطلاعات که شامل تصویب قوانینی است که اطلاعات مشخص نظیر اطلاعات مالی، پزشکی و ... افراد را تحت کنترل قرار می‌دهد. این حوزه به حفاظت اطلاعات هم معروف است.

۲- حریم جسمانی که به حفاظت از جسم افراد در مقابل آزمایش‌های ژنتیکی و ... مربوط می‌شود.

۳- حریم ارتباطات که امنیت پست‌های الکترونیکی و تلفن‌ها، پست و سایر اشکال ارتباطات را عهده‌دار است.

۴- حریم مکانی که به اعمال مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و نظارت‌ها در محیط کار و زندگی افراد و اماکن عمومی مربوط می‌شود. (بروجردی، ۱۳۸۲)

برای بیان روند تعرض به حوزه‌های حریم خصوصی می‌توان از مصادیق ده‌گانه تعرض به این حریم در قطعنامه کنگره بین‌المللی حقوق‌دانان در استکهلم، سال ۱۹۶۷ استفاده کرد:

۱- مداخله در زندگی خصوصی و داخلی افراد ۲- تعرض به تمامیت جسمانی و روانی و ایجاد محدودیت اخلاقی و معنوی ۳- تعرض به حیثیت و شرافت و شهرت افراد ۴- تفسیر نابه‌جا از گفته‌ها و اعمال اشخاص ۵- استفاده از اسم، هویت و عکس افراد برای مقاصد تجاری تبلیغاتی ۶- افشای امور ناراحت‌کننده مربوط به زندگی خصوصی افراد ۷- اقدام به جاسوسی و تحت نظر قرار دادن افراد ۸- توقیف و یا بازرسی مکاتبات فرد ۹- سوءاستفاده از مکاتبات کتبی یا شفاهی ۱۰- افشای اطلاعات شغلی و حرفه‌ای (ناصر زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

### سابقه حریم خصوصی

پدیرش حریم خصوصی به عنوان یک حق انسانی، ریشه‌ای تاریخی دارد. در انجیل و قوانین یهود، از دیرباز مکتوم ماندن مسائل شخصی از انظار دیگران، به رسمیت شناخته شده است و در چین باستان مصونیت‌هایی در این زمینه وجود داشته است و برخی نویسندگان سابقه این حق را به دوران رم و یونان باستان نسبت می‌دهند و منشأ آن را همان لزوم رعایت حق مالکیت نسبت به اموال مادی می‌دانند.

«در سوگند بقراط که به ۳۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد پزشکان سوگند می‌خورند که رابطه آنان با بیماران محرمانه بماند.» (ساماراجیوا، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

موضوع حریم خصوصی در قرآن مجید و احادیث نبوی هم مورد توجه و تکریم فراوان قرار گرفته است که در ادامه به بحث در این رابطه نیز خواهیم پرداخت.

در حالی که حریم خصوصی در همه قوانین الهی وجود داشته، قوانین وضعی صدها سال است که به این موضوع توجه نشان داده‌اند.

در سال ۱۳۶۱ میلادی، یک قاضی انگلیسی حکم دستگیری کسانی را صادر کرد که دزدانه به خانه افراد نگاه و یا استراق سمع می‌کردند.

در سال ۱۷۶۵ میلادی، لرد کامدن (Lord Camden) انگلیسی قانونی را وضع کرد که بر اساس آن برای ورود به خانه‌های مردم و مصادره یادداشت‌ها و مکتوبات آنان، داشتن مجوز الزامی شد.

یکی از نمایندگان مجلس انگلیس به نام ویلیام پیت در این زمینه نوشت: «حتی فقیرترین مردم در کلبه محقر خویش می‌تواند از دستورات شاه سرپیچی کند. کلبه این مرد فقیر می‌تواند بسیار محقر باشد، سقف آن بلرزد و چکه کند، باد و طوفان در آن وارد شود، اما شاه انگلستان نمی‌تواند به آن وارد شود و هیچ‌یک از نیروی پادشاه هم جرأت ندارند که از آستانه این کلبه ویرانه، قدم به درون بگذارند.» (Speech on the Excise Bill, 1763)

کشورهای مختلف در طی قرون و اعصار، با وضع قوانین مختلف از حریم خصوصی حمایت کرده‌اند.

در سال ۱۸۵۸، در فرانسه قانونی وضع شد که انتشار مسائل خصوصی را ممنوع کرد و برای حریم‌شکنان مجازات‌هایی در نظر گرفت و در سال ۱۸۸۹، قوانین نروژ، انتشار اطلاعات مربوط به افراد و امور خصوصی آن‌ها را ممنوع اعلام کرد. از سال ۱۸۹۰ هم در قوانین عمومی آمریکا، این حق به رسمیت شناخته شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر را که در سال ۱۹۴۸ منتشر شد، می‌توان شاخص مدرن حفظ حریم خصوصی در سطح بین‌المللی دانست که به طور خاص از حریم مکانی و ارتباطی حمایت می‌کند. (بروجردی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز یکی دیگر از مواردی است که در موادی از آن به صورت ویژه به مقوله حریم خصوصی پرداخته است.

اما همان‌گونه که در ابتدای همین مبحث اشاره کردیم سابقه حمایت از حریم خصوصی در اسلام به آغاز ظهور اسلام برمی‌گردد و با جرأت می‌توان اعلام کرد که قوانین الهی بسیار پیش و پیش از سایر نظام‌های حقوقی به حریم خصوصی افراد بها داده و به آن پرداخته است. در حالی که نظام‌های حقوقی حداکثر از چند سده پیش به این حق توجه کرده‌اند، دین اسلام و آیات الهی، بیش از ۱۴۰۰ سال است که برای حریم خصوصی و در نتیجه برای شأن و منزلت انسانی، ارزش و جایگاه بالا و والایی قائل شده است؛ به گونه‌ای که در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور، حریم خصوصی مکانی به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است و در آیه ۱۲ سوره حجرات نیز به عدم تجسس و تفتیش از عقاید دیگران اشاره کرده است.

بررسی آیات و روایات وارده در این باب نشان می‌دهد که علی‌رغم این‌که در متون دینی به کلمه حریم خصوصی به صراحت اشاره نشده است ولی محتوای آیات و روایات حاکی از توجه به حق حریم مکانی، حق آزادی از مورد تجسس واقع شدن، حق مالکیت و حق برخورداری از اصل برائت است. در مورد حق حریم خصوصی و تفاوت قوانین الهی و قوانین وضعی در اسلام، پروفیسور عماد احمد، دانشمند مسلمان و استاد دانشگاه‌های جان هاپکینز و مری‌لند معتقد است:

«در حالی که حریم خصوصی در اسلام یک حق مسلم به شمار می‌رود، در آمریکا و در بسیاری از کشورهای غربی، هنوز یک مقوله بحث‌انگیز است. در اسلام، قوانین از طرف خداوند نازل شده و حق حریم خصوصی یک حق مقدس است که نباید زیر پا گذاشته شود... عده‌ای از مردم به حقوق طبیعی ایمان دارند و حریم خصوصی نیز می‌تواند یکی از حقوق طبیعی باشد؛ ولی افراد زیادی در غرب وجود دارند که اصلاً به حقوق طبیعی باور ندارند و معتقدند که «حقوق» همان‌هایی هستند که جوامع بر سر آن توافق کرده‌اند. حامیان دموکراسی بر این باورند که «حق»، آن چیزی است که مردم به آن رأی داده‌اند. یعنی آن‌ها فکر می‌کنند که «حقوق» قراردادی است؛ اما طرفداران حق طبیعی بر این باورند که ضرورت طبیعت بشر، داشتن این حقوق است و اگر کسی بخواهد این حقوق طبیعی را از بین ببرد، بشر نمی‌تواند کارکرد درستی داشته باشد.» (www.Islam Online. net)

### مبانی حریم خصوصی

خداوند در آیه ۱۹ سوره نور می‌فرماید که اشاعه فحشا را دوست ندارند و اشاعه‌کنندگان، مجازات خواهند شد. "ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم." و در آیات ۲۷ و ۲۸ و ۵۸ و ۵۹ سوره نور نیز می‌فرمایند: وقتی می‌خواهید وارد خانه‌ای شوید درب بزنید و اجازه بگیرید و قبل از اجازه دادن وارد نشوید.

همچنین خداوند در سوره حجرات به روشنی از تجسس نهی کرده و فرموده است: "ولانجسسوا" (حجرات آیه ۱۲)، که مفسران تجسس را جست و جو و تتبع برای یافتن لغزش معنا کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۸، ص ۷۳۱)

در کتاب‌های روایی، فصلی با عنوان "من طلب عثرات المؤمنین" (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۵۳)، "ما جاء فی النهی عن التجسس" (بیهقی، ۱۹۳۰، ص ۳۳۳)، "وجوب ستر الذنوب و تحریم التظاهر بها" (حرعاملی، ۱۳۷۶، ص ۳۶) و ... (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳) که به گردآوری روایاتی که در مذمت تجسس وارد شده اختصاص داده شده است.

در نقلی آمده است:

"شبی خلیفه دوم در کوچه‌های مدینه به گشت زنی مشغول بود، از خانه صدای غنا و موسیقی شنید، وارد خانه شد و بدو گفت: ای دشمن خدا، آیا گمان برده‌ای گناهت را خداوند می‌پوشاند؟"

مرد گفت: ای پیشوای مسلمین شتاب مکن، اگر من یک گناه مرتکب شدم تو مرتکب سه گناه شدی: خداوند از جاسوسی نهی کرد و تو تجسس کردی، خداوند فرمود از در خانه وارد شوید و تو از دیوار آمدی، و خداوند فرمود هرگاه خواستید به خانه‌ای درآید اذن بگیرید و تو بدون اذن وارد شدی." (مقی هندى، ۱۴۰۹ ه.ق، ص ۸۰۸)

رسول خدا(ص) فرمود: "انى لم أؤمر ان انقب عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم؛ من مأمور نیستم از پنهان و پنهان مردم جست و جو کنم." (همان) و نیز امام صادق(علیه السلام) فرمودند:

"لا تفتش الناس عن اديانهم فتبقى بلا صدیق؛ از مرام و باورهای مردم جست و جو مکن، تا تنها و بی‌همراه بمانی." (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳)

البته تذکر این نکته لازم است که در نصوص دینی در منع از تجسس و پیگیری مواردی به عنوان استثنائات حریم خصوصی به چشم می‌خورد که عبارت است از:

- ۱- پیگیری و مراقبت نسبت به کارگزاران حکومتی برای انجام وظایف و مسئولیت‌ها.
- ۲- نسبت به دشمن و تحرکات نظامی آنان.
- ۳- مراقبت از جاسوسان خارجی داخلی و گروه‌های معاند نظام اسلامی.
- ۴- پیگیری و مراقبت از مشکلات و نیازمندی‌های شهروندان دولت اسلامی در جهت برطرف ساختن مشکلات.

۵- تزامم حریم خصوصی با حقوق دیگران؛ مثل: حکم رسول خدا به کندن درخت خرماى "سمره بن جندب". او در خانه مردی انصاری نخلی داشت و همیشه سر زده وارد خانه می‌شد. انصاری نزد رسول خدا شکایت آورد. پیامبر مراحل چند را دنبال کردند تا شاید "سمره" از ایذاء و تضییع حقوق دیگران دست بردارد ولی قانع نشد و پیامبر فرمان به کندن و قطع درخت او داد. (حرعاملی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳ و کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۹۲)

۶- تزامم حریم خصوصی با مصالح عمومی؛ همانند دستور رسول خدا به عرضه و فروش اموال محتکران است، که امام صادق (ع) فرموده است: "در زمان پیامبر(ص) خوراکی‌ها به پایان رسید، مسلمانان نزد رسول خدا آمده و عرضه داشتند خوراکی‌ها تمام شد و تنها فلان شخص، دارای اطعمه است آن‌گاه رسول خدا فرمان به عرضه و فروش آن داد." (حرعاملی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۷)

### حریم خصوصی در قوانین موضوعه

متأسفانه با آنکه حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین حقوق خصوصی و از نظری حقوق عمومی مردم بوده، قانونگذار ایران تحت این عنوان حقوق و وظایفی را به رسمیت نشناخته و از این جهت در ترمینولوژی حقوق، موضوعی در این خصوص وجود ندارد.

اما با نگاه به قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نظیر قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و... گوشه‌هایی از حریم خصوصی وجود داشته که می‌توان با استفاده از مفاهیم آن حدود و چارچوب حریم خصوصی را روشن ساخت.

گرچه حریم خصوصی در حقوق خصوصی و حریم خصوصی در حقوق عمومی نیز از یکدیگر تفکیک نشده و گاهی دارای مرزبندی دقیق نبوده و عموماً شناخت دقیقی در این مرزبندی و حدود وجود ندارد و نظر به اینکه این مباحث حقوقی صرفاً جهت بیان انجام می‌گیرد، لذا احتیاج زیادی به این مرزبندی وجود نداشته و به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

طبق اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از هرگونه تعرض مصون بوده و حکومت و مردم باید به این محدوده احترام گذاشته و متعرض کسی نشوند. در مورد این اصل گفتنی است که:

۱- در این اصل، شغل افراد از تعرض مصون دانسته شده است. در هیچ یک از کشورهایی که قوانین اساسی آن‌ها به مسئله حریم خصوصی پرداخته است، به مسئله شغل افراد اشاره نشده است. اگر شغل را با کار مترادف فرض کنیم، بسیاری از تعدیل‌های نیروی انسانی که در کارخانه‌ها و اداره‌ها صورت می‌گیرد، تعرض به حریم خصوصی آن‌هاست.

۲- کلمه «حقوق» در این اصل، جای تفسیر و تعریف دارد. حق حریم خصوصی را هم می‌توان یکی از حقوق افراد در نظر گرفت.

۳- در این ماده، حیثیت و جان افراد از تعرض مصون شده و به جسم افراد و در واقع، به حریم جسمانی توجه نشده است؛ مگر آنکه «جان» را به مفهوم وسیع آن به معنی جسم و فیزیک بدن در نظر بگیریم. بنا بر اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقیده ممنوع بوده و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض قرار داد.

بزرگ‌ترین اشکال این ماده قانون، مشخص نبودن حدود و ثغور تفتیش است. در کشور ما اگر چه تفتیش عقاید به طور رسمی صورت نمی‌گیرد ولی نمونه‌هایی از این کار، به خصوص هنگام استخدام افراد و سایر مواقع قابل مشاهده و درک است که البته قانونی بودن و یا نبودن این موارد خود نیازمند بحثی جداگانه است که چون از بحث ما خارج است نیازی به پرداختن به آن نمی‌باشد.

به استناد اصل ۲۵ قانون اساسی بازرسی و نرساندن نامه، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع می‌باشد (مصادیق مهمی از حریم خصوصی در این اصل احصا شده است).

با نظر به این اصل می‌توان به نکات زیر پی برد:

- ۱- در این اصل، آزادی ارتباطات صریحاً مورد توجه قرار گرفته است.
- ۲- به وسایل ارتباطی جدید مثل میل، ایمیل و ارتباطات اینترنتی اشاره‌ای نشده است.
- ۳- ممنوع بودن هرگونه تجسس، حاکی از توجه قانونگذاران به حریم خصوصی افراد است.

بنابر اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات دانسته شده است. در چندین اصل دیگر، مانند اصول دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و بیستم نیز حریم خصوصی، تلویحاً مورد توجه قرار گرفته است.

مثلاً اصل دوازدهم با احترام کامل بر مذاهب غیرشیعی صراحتاً بیان می‌کند که پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی نظیر ازدواج، طلاق، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن، در دادگاه‌ها رسمیت دارند و بر اساس این اصل، در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طرق آن مذاهب خواهد بود.

بر اساس اصل چهاردهم، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف شده‌اند که نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قبیط و عدل اسلامی عمل کنند و حقوق انسانی آن‌ها را رعایت کنند و از آن‌جا که حق حریم خصوصی از بدیهی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود، بنابراین، حق حفظ حریم خصوصی غیرمسلمانان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه خاصی دارد.

اصول فوق گوشه‌هایی از حقوق عمومی و حقوق خصوصی مردم و محدوده و حریم آن را تعیین کرده و بعضاً متجاوزان به این حقوق را قابل مجازات دانسته، اما قوانین دیگر از جمله قانون مجازات اسلامی در مبحث قصاص، دیات، حدود و تعزیرات، اعمال متجاوزان به حقوق خصوصی و عمومی مردم را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین کرده است. مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ و ۵۹۷ تا ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی گوشه‌هایی از اهم موارد فوق است. در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ماده ۲۴ نیز به این امر تصریح شده است.

### حریم خصوصی در نظرگاه حضرت امام خمینی

اسلام که اساس هر نوع تربیت را انسان می‌داند به حرمت ایشان اهمیت فراوان داده و حریم خصوصی افراد را پاس داشته است. در مطالب گذشته بیان شد که در آیات قرآنی و نیز روایات، توصیه‌های فراوانی است که افراد را از ورود به حریم خصوصی همدیگر باز داشته است. از همین روست که یکی از شاخصه‌های رهبر دینی، اصرار او بر امن بودن حریم خصوصی افراد است. حضرت امام خمینی (ره) که آرمان‌شان حمایت از مظلوم و مبارزه با ظلم است و توانست در تمامی عرصه‌ها با معیارهای اسلامی حرکت کند، در این وادی نیز با حساسیت مثال زدنی وارد شد و حریم خصوصی مردم را پیامبرانه پاسداری کرد و همه مسئولان را به رعایت آن فرمان داد. در این قسمت برآنیم تا نگاه ایشان را در این خصوص بررسی کنیم.

حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴، فرمانی هشت ماده‌ای خطاب به قوه قضاییه و تمام ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر کردند و در این فرمان ورود بدون اذن به منازل و



محل کار افراد و شنود تلفن و گوش دادن به نوار و ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم و تجسس در اسرار دیگران و افشای آن را ممنوع و جرم دانست.

در این فرمان، حضرت امام نشانه‌هایی را هدف قرار دادند که رعایت آن نه تنها برای یک مقطع زمانی و مکانی که برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، حافظ حیثیت انسان و انسانیت است. که گوشه‌هایی از این فرمان که در رابطه با حریم خصوصی است عیناً بیان کرده و بدان پرداخته می‌شود.

«در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی به ویژه دستگاه‌های قضایی و لزوم جانسین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان‌شاءالله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند...»

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید هر چند مدت توقیف کم باشد، توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷- آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها؛ چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست؛ چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی

وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است...

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیاء و بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی‌ظنیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواستہ به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است». (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹-۱۴۳)

بازخوانی فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام خمینی (ره) و دیگر بیانات ایشان، انسان را به نگاه وی بیش‌تر از پیش آشنا می‌نماید که همگی همان‌گونه که ذکر گردید ریشه در منابع دینی داشته و لزوم رعایت این فرامین را بر همه افراد و علی‌الخصوص ارگان‌های دولتی و دستگاه قضایی ضروری می‌نمایاند.

فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی، در واقع منشور آزادی‌های انسان در حریم شخصی است. ایشان در این فرمان با تأکید بر این‌که «میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹)، فرمود:

- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی توقیف کند و در مال یا حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع.

- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا است، مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشند. (همان، ص ۱۴۰-۱۴۱)

و البته در ادامه به محدوده این آزادی اشاره کرده و فرمودند: «آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است...». (همان، ص ۱۴۱)

از طرفی در برخورد با همین افراد گروهک که در سال‌های اول انقلاب دست به خشونت زده و به ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه در کوچه و بازار پرداخته‌اند نیز توصیه می‌نماید ضمن برخورد قاطعانه و محکم احتیاط کامل نمایند و تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها عمل نمایند تا خدای ناکرده از حدود شرعی تعدی و حقی ضایع نشود. لذا می‌بینیم در این برخورد رأفت اسلامی مد نظر بوده و اجازه نمی‌دهند به نام کشف جرم نسبت به فردی اهانت و اعمال غیرانسانی مرتکب شوند. به دیگر سخن متهم و مجرم نیز دارای حقوقی است که می‌بایست رعایت شود و نمی‌توان به بهانه مجرم بودن فردی، حقوق انسانی و اجتماعی او را نادیده گرفت. در این فرمان تعدی به حقوق ملت و حریم خصوصی جرم عنوان شده و برای برخورد با افراد متخلف هیأتی متشکل از رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر تعیین و تأکید نمودند تا در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیات‌هایی را که مورد اعتماد می‌باشند انتخاب و به ملت ابلاغ نمایند که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، چه نسبت به حقوق و اموال آنان سرمی‌زند به این هیات ارجاع نمایند.

حق آبروی افراد مصداق دیگری از حق شهروندی است. حکومت باید آبروی افراد را نگه دارد. آیا ما وظیفه داریم که آنچه را از افراد گناهکار دیده یا شنیده‌ایم افشا کنیم یا باید حیثیت و آبروی آن‌ها را نگه داریم؟ مردم توقع دارند رازشان فاش نشود. وقتی به طور عموم پلیس به درب منزل‌شان می‌رود احساس نگرانی می‌کند؛ حال اگر این احساس همراه با آبروریزی باشد چه پیش خواهد آمد؟ پوشاندن گناه در فقه از وظایف ماست؛ آبروریزی حتی اگر برای کشف گناه باشد گناه است. همین اصول است که برای دستگاه قضایی و پلیس اعتبار می‌آورد.

امام خمینی (ره) در بحث ولایت فقیه نیز بین مسائل اجتماعی و حریم شخصی افراد تمایز قایل می‌شود و زندگی خصوصی افراد را مشمول گستره ولایت فقیه نمی‌داند و در همین رابطه در بیانی می‌فرماید:

در جنبه‌های مربوط به حکومت تمامی آنچه در اختیار رسول الله و امامان پس از او صلوات الله علیهم اجمعین بوده، در اختیار فقیه عادل است ولی اگر برای پیامبر و امامان معصوم (ع) ولایتی نه از جهت حکومت ثابت باشد، این ولایت برای فقیه، ثابت نیست. پس اگر معتقد شویم که معصوم ولایت بر طلاق همسر مرد یا

فروش مال او یا گرفتن آن را دارد حتی اگر مصلحت عمومی هم چنین اقتضا نکرده باشد این ولایت برای فقیه ثابت نیست (امام خمینی، البیع، ج ۲، ص ۴۶۶ و ۴۸۹).

متن فرمان امام خمینی(ره) در ارتباط با گزینش‌ها بسیار خواندنی و شایان توجه است. ایشان فرمان مشابه دیگری نیز موسوم به فرمان چهارده ماده‌ای در ارتباط با دادستانی‌ها در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ صادر کردند (ر.ک: صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۱) که در هر دوی این فرامین و در خطاب‌ها و عتاب‌های دیگری که ایشان در همین زمینه‌ها داشتند به وضوح می‌توان تأکید بر حقوق شهروندان و ممنوعیت تعرض مأموران نظام به حریم خصوصی زندگی آن‌ها، تجسس‌های بی‌مورد و نقض حقوق انسانی مردم را مشاهده کرد.

پس بر اساس اندیشه حضرت امام(ره)، مردم در حریم خصوصی خود حتی در رعایت موازین دینی و شرعی، مختارند و مجبور نیستند.

قطعاً حفظ حرمت افراد و عدم تجسس و مداخله در حریم خصوصی مردم لازم است و ما هیچ‌گاه و هیچ وقت، کاری نداریم که مردم در خفا چه کاری می‌کنند.

آن بخشی که ما موظفیم این است که اگر کسی در ظاهر جامعه جرم مشهودی و خلافی کرد با آن برخورد می‌کنیم.

اما در عین حال اگر در خفا جرم سازمان یافته‌ای برای افساد در جامعه بود، قطعاً حسابش فرق می‌کند و با جرایم سازمان یافته برخورد می‌کند.

همچنین حضرت امام(ره) فرمانی در امر گزینش به تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۶۱ خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری در ۶ ماده صادر کرده‌اند، که ماده ۵ آن به این شرح است:

«۵- تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به این که چند معصیت نمودی چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می‌شود مخالف اسلام و تجسس کننده معصیت کار است. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلام و خلاف شرع مظهر ممنوع شود.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۲۱)

بر اساس ملاحظات فوق دیدگاه امام خمینی درباره حریم خصوصی را در دو محور می‌توان تنظیم کرد. به عبارت دیگر امام به عنوان یک شخصیت مکتبی و انقلابی، مدافع هر حریم و پاسدار هر امنیتی نیست؛ بلکه در مواجهه با آن، اولین سؤال، کشف مشروعیت یا عدم مشروعیت آن است و بر اساس پاسخ دریافتی موضع بعدی اتخاذ می‌گردد. جلوه انقلابی شخصیت حضرت امام در مواجهه با همین سؤال ظاهر می‌شود. امام آن‌گاه که در نظاره به حریم، آن را نظمی مدافع منافع مفسدان و پایمال کننده حقوق مستضعفین می‌یابد، حکم به عدم مشروعیت آن داده و رسالت مقابله با آن را در خود می‌یابد. همین نگاه است که وقتی آن را نامشروع یافت، خود را موظف به تأمین امنیت آن نمی‌یابد.

به عبارت دیگر، در این عرصه نیز اصل "هدف وسیله را توجیه نمی‌کند" صادق است. یعنی امام، علی‌رغم اتخاذ هدف مقابله و مبارزه با تعرض به حریم دیگران، اتخاذ وسیله قانون‌شکنی را جایز نمی‌داند.

در همین زمینه است که حضرت امام از ایجاد سرپوش‌های ظاهراً قانونی برای نقض حقوق مردم جلوگیری فرموده، به منظور جلوگیری از ورود و تجسس‌های افراطی، صدور مجوز قضایی و احکام کلی و ابتدایی برای ورود به اماکن و منازل افراد را منع می‌فرماید.

حضرت امام تحت تأثیر نظام فقهی و اخلاقی اسلام، مواضعی دارند که به زبان علوم اجتماعی امروز، می‌کوشد تا مجرم و متخلف را در سطح انحرافات نخستین نگاه دارد و به این ترتیب مانع از اشاعه جرم و زایل شدن قباحات اعمال خلاف در جامعه می‌گردد. هم‌چنان‌که قبلاً اشاره شد، امام مؤکداً از عوامل و متصدیان دستگاه انتظامی و قضایی می‌خواهد تا اولاً از طریق تجسس‌های افراطی، تخلف‌های پنهان افراد خاطی را تا آن‌جا که به امنیت کلی جامعه آسیب نمی‌زند، ردیابی نکنند. ثانیاً امام از این عوامل و همه مردم می‌خواهد، به فرض کشف جرم یا مواجهه با مواردی از فساد اخلاقی، از افشای عمومی آن خودداری نمایند و صرفاً از طریق مراجع ذی‌ربط و با رعایت حرمت افراد اقدام نمایند. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱)

به طور کلی بسیاری از احکام قضایی و اخلاقی اسلام که شرایط اثبات جرم را بسیار مشکل نموده و مفرهای متعددی برای فرد منحرف قایل شده و حتی مجازات‌های وضع شده برای کسانی که نتوانند اتهامات طرح کرده برای افراد را اثبات نمایند (حکم قذف)، در راستای همین موضع برای ابقای انحراف در سطوح اولیه آن قابل تحلیل است.

با وجود این، حضرت امام و احکام قضایی اسلام، پس از اعمال همه راهکارهایی که برای ابقای انحراف در مرحله نخستین آن به عمل می‌آورد، در مواجهه با منحرفین و تبه‌کارانی که از این سطح فراتر رفته بخواهند امنیت و نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه را مختل کنند برخوردی اصولی و قاطعانه دارد. از همین موضع است که امام جانب‌داری‌های ساده‌لوحانه بعضی افراد از جنایتکاران رژیم پیشین و تلاش برای تضعیف روند اقدامات دادگاه‌های انقلاب را نفی نموده در مقاطعی ویژه از اعمال مجازات سنگین علیه عناصر و جریان‌هایی که به محاربه و مبارزه مسلحانه علیه نظام مبادرت ورزیدند، تردید به خود راه نمی‌دهد.

این معنی با قاعده «اصاله الصحه» که در فقه جایگاه ویژه‌ای دارد نیز سازگار و منطبق است. همین معنی در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدان تصریح شده است. (گلن جانسون، ۱۳۷۸، ص ۹۱)

این معنی در ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز آمده است: تفتیش منازل، اماکن عمومی و اشیا و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام‌های قضایی به ضابط ارجاع شده است.

یکی از مهم‌ترین موارد در حریم خصوصی، آزادی سیاسی و بیان و احیاناً نشر آن است. چرا که آزادی‌های ماقبل بیان، مانند آزادی تفکر و اندیشیدن، در برخی از موارد غیر اختیاری است و از سوی دیگر امکان اطلاع یافتن و جلوگیری کردن از آن هم وجود ندارد، مادام که به صورت بیان یا نوشتار در جامعه پخش نگردد.

در اندیشه سیاسی امام خمینی، «اظهار عقیده و آزادی بیان» برای کلیه افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی مجاز است و این تجویز اختصاص به طرفداران نظام اسلامی ندارد. در سخنی از ایشان، در جمهوری اسلامی، اقلیت‌های مذهبی و حتی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند. آنچه که حدود و ثغور چنین نمادی از

آزادی را معین می‌کند همان «به خطر نیفتادن مصالح ملت» است. امام در پاسخ به این سؤال که: در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید، آیا فکر می‌کنید باید محدودیت‌هایی قائل شد یا نه؟ فرمود:

«اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است، چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۲۰)

و در جایی در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می‌کنید که گروه‌های چپ و مارکسیست آزادی فعالیت خواهند داشت؟ افزود: «اگر مضر به حال ملت باشد، جلوگیری می‌شود، اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد مانعی ندارد... همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالف با مصلحت مملکت باشد.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۲۰)

### نتیجه

فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب به جهت ضرورت رعایت حقوق ملت توسط زمامداران بوده است. در نگرشی اجمالی به فرمان هشت ماده‌ای بنیان‌گذار انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و دیگر موارد مشابه آن، می‌بینیم که حقوق شهروندی مد نظر قرار گرفته شده و حریم خصوصی شهروندان در جمهوری اسلامی مصون از تعرض است و هیچ کس اعم از شهروندان و دولتمردان حق ورود به حریم خصوصی افراد را ندارند و فقط صرفاً در زمانی که حریم خصوصی با مصالح عمومی و حقوق دیگران در تزاخم باشد به موجب قانون می‌توان به این حریم امن وارد شد. امید آنکه همه دولتمردان همواره با رفتارهای قانونمدارانه خود حقوق ملت را حفظ و تمامی افراد جامعه، حریم خصوصی همدیگر را رعایت نموده و گام‌های موثری در ساختن جامعه‌ای قانونمدار برداریم.

## منابع و ماخذ

- ۱) القرآن الکریم
- ۲) نهج البلاغه
- ۳) انصاری، باقر، ۱۳۸۶، حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، تهران، سمت.
- ۴) بروجردی، مهدخت، ۱۳۸۲، «حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی»، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی [www.bashgah.net/pages-6180.html](http://www.bashgah.net/pages-6180.html) و قابل دسترسی در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۹ و روزنامه حمایت، سال ۲، شماره ۸۱۰.
- ۵) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، ۱۹۳۰م، سنن البیهقی، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
- ۶) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، میسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۳، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
- ۷) حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن، ۱۳۷۶، وسایل الشیعه، جلد ۱۷ و ۲۱، چاپ ششم، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- ۸) حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۹) خمینی (ره)، روح الله الموسوی، البیع، ج ۲.
- ۱۰) دوشوری طرح حمایت از حریم خصوصی، اداره کل قوانین مجلس شورا، مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵/۴/۸، شماره ثبت ۵۶۰.
- ۱۱) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، فرهنگ دهخدا، جلد ۶، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۲) ساماراجیوا، روهان، ۱۳۸۰، «تفاوت طبقاتی در حریم شخصی»، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۸۰، شهریور ۱۳۸۰.
- ۱۳) صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۱۴) طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن الحسن، ۱۳۷۸، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دهم، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۱۵) عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
- ۱۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۸) قانون مجازات اسلامی.
- ۱۹) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، اصول الکافی، جلد ۵، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- ۲۰) گلن جانسون، ۱۳۷۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پناهنده، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- ۲۱) متقی هندی، ۱۴۰۹ق، کنز العمال، جلد ۳، چاپ سوم، بیروت، موسسه الرساله.
- ۲۲) محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۳، قواعد فقه، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۲۳) محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۲، میزان الحکمه، جلد ۱، چاپ دوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۴) معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ معین، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران، سپهر.
- ۲۵) مهریزی، مهدی، ۱۳۷۸، دولت دینی و حریم خصوصی، مجله حکومت اسلامی، سال ۴، ش ۲، صص ۶۹-۴۵ و قابل دسترسی در [www.islamic-bank.com](http://www.islamic-bank.com)
- ۲۶) ناصرزاده، هوشنگ، ۱۳۷۲، اعلامیه‌های حقوق بشر، چاپ اول، تهران، جهاددانشگاهی.
- ۲۷) نوبهار، رحیم، ۱۳۸۷، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران، جنگل.

Archive of SID